

# گزارشی از پایتختی خسته

## مقدمه ترجمه

کوبا، جزیره‌ی کوچک «مقاومت»، امروز با یکی از عمیق‌ترین و فرساینده‌ترین بحران‌های اقتصادی و اجتماعی خود پس از انقلاب ۱۹۵۹ دست‌وپنجه نرم می‌کند. در خط مقدم این بحران، محاصره شدید نفتی، تحریم‌های مالی همه‌جانبه و فشارهای مضاعف امپریالیسم ایالات متحده آمریکا قرار دارد که با هدف به زانو درآوردن نظام حاکم، شریان‌های حیاتی این کشور را نشانه رفته است. این سیاست خفه‌کننده اقتصادی، مستقیماً معیشت، بهداشت، شبکه انرژی و ساختار زندگی روزمره شهروندان عادی را به مرز فروپاشی کشانده و پایتخت تاریخی آن را به شهری خسته، تاریک و لبریز از تضادهای طبقاتی جدید تبدیل کرده است. گزارش پیش‌رو که از نشریه WOZ ترجمه شده است، روایتی است دقیق، مستند و میدانی از قلب هاوانا؛ واکاوی تامل‌برانگیزی از زندگی مردمی که میان چکش تحریم‌های کمرشکن خارجی و سندان سوءمدیریت داخلی، در تلاطم میان صبر، بقا، مهاجرت و ناامیدی روزگار می‌گذرانند و تصویری بی‌پرده از واقعیت امروز این جزیره محاط در بحران را به نمایش می‌گذارد.

## صدای فدائی



## وقتی یک سیستم تعادل خود را از دست می‌دهد

### نویسنده: فیلیپ لیختر بک، هاوانا

نشریه WOZ (شماره ۲۱)

۲۱ مه ۲۰۲۶

محاصره نفتی ایالات متحده، کوبا را به شدت تحت فشار قرار داده است. اگرچه رژیم هنوز پابرجا مانده است، اما پایه و اساس زندگی بسیاری از کوبایی‌ها در حال فروپاشی است و نارضایتی‌ها افزایش می‌یابد؛ گزارشی از پایتختی خسته.

کارلوس کافه «اسلاپی جوز» (Sloppy Joe's) را به عنوان محل ملاقات پیشنهاد کرد؛ یک کافه-بار افسانه‌ای در مرکز هاوانا. این مکان که روزگاری نماد زندگی شبانه هاوانا با تأثیرات آمریکایی بود، اکنون در مالکیت دولت است و بخشی از بازاریابی نوستالژیک کوبا محسوب می‌شود. اما در این بعدازظهر هیچ مشتری‌ای در آنجا حضور ندارد. پیشخوان از جنس چوب ماهون خالی است، مسئول سرویس بهداشتی در حال خواندن کتاب است و صدای یک موسیقی بولرو از بلندگوها به گوش می‌رسد. کارلوس با کمی تأخیر می‌رسد، او تهریش سه روزه، شلوارک و کفش‌های ورزشی نایک بر تن دارد. او توضیح می‌دهد که پیدا کردن یک سه‌چرخه (Triciclo) خالی دشوار بوده است؛ یکی از ریکشاهای برقی که این روزها همه‌جا در حال تردد هستند. این جوان ۲۷ ساله جامعه‌شناسی

خوانده است و اکنون تورهایی را در هاوانا برگزار می کند که تناقضات کوبا را نشان می دهد؛ جزیره ای که در برابر هر روایت ساده ای مقاومت می کند. او می گوید: «تو اولین مشتری من در این چند روز گذشته هستی.» «ترامپ همه را ترسانده است.» کارلوس نمی خواهد نام کاملش فاش شود. او می گوید از آنجا که قرار است به صورت انتقادی درباره انقلاب صحبت شود، هرگز نمی توان پیش بینی کرد که سیستم چه واکنشی نشان خواهد داد. در ماه فوریه، گردانندگان یک حساب اینستاگرامی به نام Eljatins دستگیر شدند. آن ها از دولت انتقاد کرده بودند و اکنون دولت آن ها را به «تبلیغ علیه قانون اساسی» متهم کرده است و ممکن است با مجازاتی تا نه سال زندان روبرو شوند. کارلوس می گوید: «همه مضطرب و تحت فشار هستند.»

## فشار تحریم ها و ناپدید شدن گردشگران

در همین حال، دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، تقریباً هر هفته تحریم های جدیدی وضع می کند. آنچه به ویژه وخیم است، طبقه بندی کوبا به عنوان یک حامی تروریسم و تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا است، با این ادعا که ایستگاه های شنود روسیه و چین در این جزیره مستقر شده اند. انجام معاملات مالی بین المللی با کوبا تقریباً غیر ممکن شده است. این موضوع را می توان از آنجا فهمید که نه تنها استفاده از کارت های اعتباری در اینجا مسدود است، بلکه بسیاری از اپلیکیشن ها نیز فقط با استفاده از فیلتر شکن (VPN) کار می کنند. اخیراً، واشنگتن فشارهای شدیدی را بر کشورهایی وارد کرده است که مأموریت های پزشکی کوبا در آن ها فعال هستند؛ مأموریت هایی که رژیم کوبا از طریق آن ها ارز خارجی به دست می آورد. آمریکا همچنین همه شرکت هایی را که با شرکت های دولتی کوبا یا هلدینگ «گائسا» (Gaesa) - که ارتش کوبا پشت آن است - همکاری کنند، تهدید کرده است. این مسئله به ویژه بر شرکت های مسافرتی تأثیر می گذارد، زیرا گردشگری در کوبا عمدتاً در دست گائسا است. شرکت های بزرگ کشتیرانی مانند هاپاگ-لوید (Hapag-Lloyd) و CMA CGM در اواسط ماه مه اعلام کردند که دیگر به کوبا سفر نخواهند کرد.

اکنون گردشگران با دیدن خاموشی ها و تصاویری از زباله هایی که به دلیل کمبود بودجه جمع آوری نمی شوند، از سفر به اینجا منصرف شده اند. در حالی که در سال ۲۰۱۸ حدود ۴.۷ میلیون بازدیدکننده به کوبا آمده بودند که خود نشان دهنده یک افت بود، انتظار می رود ارقام در سال جاری بسیار پایین تر از آن باشد. این برای این جزیره یک فاجعه است. کارلوس می گوید: «گردشگری مهم ترین منبع درآمد ارزی و موتور محرک اصلی اقتصاد است.» او شخصاً این موضوع را از آنجا احساس می کند که تورهایش دیگر به ندرت رزرو می شوند.

## عمیق ترین بحران از زمان انقلاب

کوبا در عمیق ترین بحران خود از زمان انقلاب ۱۹۵۹ قرار دارد. در اواخر ژانویه، ایالات متحده یک محاصره نفتی علیه این جزیره وضع کرد که منجر به قطع گسترده برق شده و تحرک و جابه جایی شهروندان کوبایی را محدود کرده است. دانشگاه هاوانا در ماه فوریه تمام کلاس های حضوری خود را لغو کرد، زیرا دانشجویان فقط با پرداخت هزینه های بالا می توانستند خود را به دانشگاه برسانند. در حال حاضر قیمت یک لیتر بنزین معادل ده فرانک است. اکنون اولین اعتراضات علیه کمبود انرژی آغاز شده است که در آن صدها نفر شبانه در خیابان های تاریک راهپیمایی کرده و روی قابلمه های فلزی می کوبند.

کارلوس مقابل یک نانوائی دولتی توقف می کند. در اینجا، با کوپن هایی که هر کوبایی دریافت می کند، می توان یک قرص نان را به قیمت یک پزو (حدود یک هفتم یک راپن) تهیه کرد. اما قفسه ها خالی هستند و تنها در یک سبد چند باگت باقی مانده است. کمی جلوتر، در یک «بودگا» (فروشگاه مواد غذایی دولتی)، موجودی اجناس به شدت کاهش یافته است. در آنجا هر شهروند کوبایی جیره برنج، لوبیا و شکر (که عمدتاً

وارداتی هستند) برای حدود دو هفته دریافت می‌کند. اما تخم‌مرغ دیگر موجود نیست، زیرا تولید آن به دلیل تحریم‌های آمریکا دچار فروپاشی شده است.

در عوض، اکنون می‌توان تخم‌مرغ را در فروشگاه‌های مواد غذایی خصوصی پیدا کرد. این فروشگاه‌ها از سال ۲۰۲۱، زمانی که دولت کوبا به شرکت‌های کوچک و متوسط (mipymes) اجازه فعالیت داد، شکل گرفتند. آن‌ها انواع مواد غذایی و کالاهای مصرفی، از جمله تخم‌مرغ را در کمال تعجب از خود ایالات متحده وارد می‌کنند. اما قیمت‌ها در این فروشگاه‌های خصوصی به قدری بالا است که تنها کوبایی‌هایی با درآمدهای بالایی خصوصی یا کسانی که مستقیماً به ارز خارجی دسترسی دارند (مثلاً از طریق بستگان در خارج از کشور)، توان خرید آن‌ها را دارند. بر اساس برآوردها، حواله‌های پولی این افراد (Remesas) حدود بیست درصد از تولید ناخالص داخلی کوبا را تشکیل می‌دهد. کسانی که این پول‌ها را دریافت می‌کنند، در یک واقعیت متفاوت زندگی می‌کنند.

### یک سیستم نامتعادل و خستگی عمومی

کارلوس می‌گوید: «این وضعیت آشفته است؛ یک سیستم بدون تعادل.» او ادامه می‌دهد که در کوبا کمبود مواد غذایی وجود ندارد (بخشی به دلیل وجود دکه‌های کوچک کشاورزان)، بلکه مشکل اصلی کمبود قدرت خرید است، زیرا ارزش پزو در برابر دلار آمریکا از سال ۲۰۲۱ تاکنون نود درصد سقوط کرده است.

کوبایی‌ها در این وضعیت، علی‌رغم اعتراضات پراکنده علیه دولت، پیش از هر چیز خسته به نظر می‌رسند. کاملاً مشهود است که محاصره ترامپ بیش از همه به اقشار آسیب‌پذیر ضربه می‌زند: فقرا، سالمندان، کودکان و بیماران؛ یعنی افرادی که حواله پولی از خارج دریافت نمی‌کنند و ساکنان شهرستان‌ها. این وضعیت صدها هزار کوبایی، به ویژه جوانان را به سمت مهاجرت به خارج سوق می‌دهد. یعنی دقیقاً همان کسانی که برای ایجاد تغییر به آن‌ها نیاز است.

کارلوس توضیح می‌دهد که بیش از دو سوم کوبایی‌ها هنوز برای دولت کار می‌کنند، مثلاً در بیمارستان‌ها. اما حقوق یک پزشک تنها ۶۰۰۰ تا ۹۰۰۰ پزو است که معادل ۱۱ تا ۱۵ دلار می‌شود. اگر فرد منبع درآمد دیگری نداشته باشد، فقیر محسوب می‌شود. کارلوس می‌گوید مشخص است که در کوبا اوضاع از هم پاشیده است؛ او به زوجی اشاره می‌کند که در زباله‌ها به دنبال چیزی قابل استفاده می‌گردند. او می‌گوید تعداد افراد بی‌خانمان نیز بیشتر شده است.

کارلوس مانده است. او می‌گوید: «من کشورم را دوست دارم، اما شرایط آسان نیست.» او اخیراً به عفونت هپاتیت A مبتلا شده بود و چند هفته در بستر بیماری افتاد. او مجبور شد هزینه آزمایش خون در بیمارستان را خودش پرداخت کند و به تکنسین آزمایشگاه پنج دلار آمریکا داد. کارلوس می‌گوید سیستم بهداشتی کوبا که در اصل باید برای همه رایگان باشد، مدت‌هاست که دیگر مثل گذشته نیست. او معتقد است که شرایط بسیاری از چیزها در کوبا به همین شکل درآمده است و می‌افزاید: «انقلاب اکنون فقط یک کلمه است؛ یک پوسته توخالی.» کارلوس از خانواده‌ای فقیر می‌آید و مادر مجردش به عنوان نظافتچی کار می‌کرد. او به یاد می‌آورد: «وعده‌های غذایی من اغلب فقط نان و یک لیوان شیر بود.» او می‌گوید این که با این وجود توانسته به دانشگاه برود را مدیون انقلاب است، زیرا آموزش عالی را برای همه امکان‌پذیر کرد، «اما اکنون کمتر می‌دانم که چرا اصلاً درس خوانده‌ام.»

### اهداف ایالات متحده

هدف دولت ایالات متحده مشخص است: کوبا باید به لبه فروپاشی اقتصادی و اجتماعی کشیده شود تا رژیم کمونیستی سقوط کند یا کسی بر سر کار بیاید که از کاخ سفید حرف شنوی داشته باشد. واشنگتن خواهان کناره‌گیری میگل دیاز-کانل، رئیس‌جمهور کوبا است. اکنون مذاکره‌کنندگان آمریکایی، که اخیراً شامل جان راتکلیف، مدیر سیا (CIA) نیز می‌شود، بارها وارد هاوانا شده و با چهره‌هایی از کادر رهبری کوبا دیدار می‌کنند. این موضوع که کوبا ۳۰۰ پهباد از ایران و روسیه برای «دفاع مشروع از خود» خریداری کرده نیز جنجال‌آفرین شده است.

## تضادهای پایتخت

کارلوس ما را به بخش تاریخی هاوانا می‌برد؛ مکانی پر از تضاد. می‌توان میدان‌های باشکوه با کلیساهای بازسازی‌شده، کافه‌های شیک و گالری‌ها را دید، اما تنها چند متر آن طرف‌تر، وارد خیابان‌هایی پر از چاله می‌شوید که در حاشیه آن‌ها خانه‌هایی نیمه‌ویران قرار دارند. از پشت یک در، مردی با انگلیسی دست‌وپاشکسته، خواهرش را برای یک رابطه جنسی سریع پیشنهاد می‌دهد. کشیشی در یک محله در مرکز هاوانا می‌گوید که تعداد افراد مسنی که برای دریافت ناهار رایگان به کلیسا می‌آیند به شدت افزایش یافته است و او هفت روز هفته داستان‌های ناامیدی و استیصال مردم را می‌شنود.

کمی پایین‌تر در همان خیابان، مردی ما را به یک مدرسه ابتدایی دعوت می‌کند. او می‌گوید مدیر مدرسه است و مسئولیت حدود ۱۰۰ کودک را بر عهده دارد. در راهروها عکس‌هایی از فیدل کاسترو نصب شده و شعارهای انقلابی به چشم می‌خورد: «میهن یا مرگ. ما پیروز خواهیم شد». در زیر این شعارها، کودکانی با لباس‌های فرم سفید و قرمز در حال بازی هستند. مدیر مدرسه به سرعت سر اصل مطلب می‌رود: او برای غذای مدرسه نیاز به پول دارد، در غیر این صورت کودکان گرسنه خواهند ماند. وقتی کسی ۵۰۰ پیزو (کمی کمتر از یک دلار) به او می‌دهد، با اشتیاق فراوان تشکر می‌کند. هنگام خروج از مدرسه، کارلوس می‌گوید: «او این پول را در جیب خودش می‌گذارد.» کوبا، جزیره سوسیالیستی که زمانی به جامعه نسبتاً برابر خود افتخار می‌کرد، روز به روز نابرابرتر، ناعادلانه‌تر و خشن‌تر می‌شود. زیرا در حالی که برخی در زباله‌ها به دنبال چیزی می‌گردند، در محله ویلایی «میرامار» اولین بی‌امو (BMW) های اسپرت با ارتفاع پایین در جاده‌های ساحلی جولان می‌دهند. می‌توان حدس زد که صاحبان آن‌ها دارندگان شرکت‌های وارداتی یا فرزندان مقامات عالی‌رتبه نظامی هستند.

## مهاجرت و بحران در بخش بهداشت

همین شرایط نامتعادل است که کارلوس را ناامید می‌کند. او می‌گوید: «همه هم‌دانشگاهی‌های من در خارج از کشور هستند.» آن‌ها جزو بیش از یک میلیون کوبایی هستند که از سال ۲۰۲۱ این جزیره را ترک کرده‌اند. اکنون نسل بیست تا چهل‌ساله ناپدید شده است؛ آن‌ها نه تنها مولدترین بخش جامعه هستند، بلکه کسانی هستند که باید فرزندآوری کنند. بعداً یک نفر از بخش بهداشت و درمان می‌گوید که تنها گروه سنی که نرخ زاد و ولد در آن هنوز در حال افزایش است، نوجوانان هستند، زیرا آن‌ها «نمی‌توانند هزینه خرید کاندوم را بپردازند.» او همچنین می‌گوید که تاکنون چنین وضعیت فاجعه‌باری را تجربه نکرده است. او نیز درخواست دارو می‌کند و لیست مواردی که در بیمارستان‌ها کمبود دارند را برمی‌شمرد: داروها، کیت‌های آزمایش، تجهیزات اتاق عمل، دستگاه‌های سونوگرافی، مواد بی‌هوشی. او صحنه‌هایی را توصیف می‌کند که در آن پزشکان به دلیل نداشتن امکانات تشخیصی در مقابل بیماران از سر استیصال گریه می‌کنند؛ بیماری‌ها خیلی دیر تشخیص داده می‌شوند، سرطان‌ها اغلب در مراحل پایانی شناسایی شده و بسیاری از جراحی‌ها به تعویق می‌افتند. با این حال، او معتقد است وضعیت در هاوانا در مقایسه با بقیه کشور هنوز خوب است. او به ویژه نگران پایان یافتن نرخ پایین

مرگومیر نوزادان است که زمانی افتخار انقلاب کوبا بود. او می‌گوید این نرخ از پنج نوزاد به بیش از نه نوزاد در هر صد هزار کودک افزایش یافته است. او می‌افزاید: «با شنیدن برخی از این داستان‌ها فقط دلت می‌خواهد گریه کنی.»

## بلا تکلیفی و برج K

کارلوس می‌گوید: «ما که در کوبا مانده‌ایم، فقط صبر می‌کنیم.» او بیشتر از هر چیز احساس بلا تکلیفی (incertidumbre) می‌کند؛ کلمه‌ای که بسیار شنیده می‌شود و روح و روان مردم را می‌خورد. او می‌گوید: «اجتناب‌ناپذیر است که چیزی باید تغییر کند، اما چه چیزی؟» مانند بسیاری از کوبایی‌ها، کارلوس از دونالد ترامپ متنفر است و او را یک «لافزن» می‌داند، اما به دولت کوبا تحت ریاست میگل دیاز-کانل نیز اعتمادی ندارد. کارلوس می‌گوید: «طبیعتاً تحریم‌های آمریکا وضعیت را بدتر کرده است، اما در عین حال بهانه‌ای برای اشتباهات خود دولت نیز فراهم می‌کند.» منظور او سوءمدیریت، فساد، عدم انعطاف‌پذیری، عدم تمایل به واگذاری قدرت و محروم کردن مردم از حق مشارکت است. به عنوان یک نمونه بارز، کارلوس به برج K (Torre K) اشاره می‌کند؛ یک هتل نوساز در منطقه «ودادو» در هاوانا. این ساختمان شیشه‌ای با ۱۵۴ متر ارتفاع، بلندترین ساختمان کوبا است. این برج دارای ۵۰۰ اتاق و سوئیت است و در بالاترین نقطه آن یک تراس روی پشت‌بام قرار دارد که مردم محلی قبلاً نامی برای آن انتخاب کرده‌اند: «نقطه تماشای بدبختی».

برج K که با سرمایه هلدینگ گائسا تأمین مالی شده، شرط‌بندی روی رونق گردشگری بود که پس از اعلام عادی سازی روابط با کوبا توسط باراک اوباما در سال ۲۰۱۴، انتظار می‌رفت اتفاق بیفتد. در آن زمان میلیون‌ها گردشگر به این جزیره سرازیر شدند و با خود ارز خارجی آوردند. کوبایی‌ها رستوران‌ها و اقامتگاه‌های خصوصی باز کردند، خانه‌های خود را بازسازی کردند، شغل ایجاد شد و مهم‌تر از همه، امید به وجود آمد. دوره کوتاهی که نشان داد زندگی در کوبا بدون خفه‌گی توسط ایالات متحده چگونه می‌تواند باشد.

سپس دونالد ترامپ این تغییر را در نطفه خفه کرد. این شرط‌بندی شکست خورد. با این حال، برج K با هزینه‌ای بالغ بر چند صد میلیون دلار ساخته شد و قرار است در سال ۲۰۲۵ توسط گروه اسپانیایی ایبروستار (Iberostar) به بهره‌برداری برسد. این بنا اکنون نمادی تاریک از بحران است که در آسمان بی‌نور شهر قد برافراشته است.

کارلوس می‌گوید اما این همه ماجرا نیست؛ ده‌ها هتل دیگر نیز ساخته شد، در حالی که هیچ سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌ها و بیمارستان‌های ما صورت نگرفت. این شکایتی است که مرتباً شنیده می‌شود. او می‌گوید دقیقاً به این دلیل که پشت بسیاری از هتل‌ها هلدینگ مبهم و نظامی گائسا قرار دارد که طبق اسناد فاش شده توسط \*میامی هرالد\*، حدود هجده میلیارد دلار دارایی دارد. گائسا غالباً به عنوان دولتی در درون دولت توصیف می‌شود. کارلوس می‌گوید: «مشکل فقط محاصره آمریکا نیست، بلکه کوبا دچار خودتحریمی نیز هست.»

بنا به دلایل خانوادگی، جای تعجب نبود اگر کارلوس - همانطور که در انتها اشاره می‌کند - طرفدار سیستم می‌بود. او می‌گوید: «پدربزرگ من از شهدای انقلاب بود. او در سال ۱۹۷۶ کشته شد، زمانی که کوبایی‌های تبعیدی یک هواپیمای مسافربری کوبایی را با بمب سرنگون کردند.» هر ۷۳ سرنشین پرواز جان باختند و پدربزرگ کارلوس افسر امنیتی آن پرواز بود.

با این حال، کارلوس نمی‌خواهد افکارش به او دیکته شود. او می‌گوید: «در دانشگاه به من یاد دادند که تضادها را بشناسم، بنابراین من هم این آموخته‌ها را به کار می‌گیرم.»

## ریکشاهای برقی در هاوانا آرام

صبح روز بعد، یک سه چرخه برقی از طریق یک اپلیکیشن تاکسی کوبایی رزرو می‌شود. در طول مسیر در هاوانا، به وضوح می‌توان دید که چگونه کمبود سوخت، شهر را به مکانی آرام و ایده‌آل و بدون سر و صدای ترافیک و دود آگزوز تبدیل کرده است. وسایل نقلیه برقی بیشتری مانند اتومبیل‌ها، اسکوترها و ریکشاهای کنار ما عبور می‌کنند.

راننده که ۶۰ ساله و مورخ است، توضیح می‌دهد که چگونه اخیراً یک اسکوتر برقی چینی خریده است. او می‌گوید: «این ۲۰۰۰ دلار بهترین سرمایه‌گذاری زندگی‌ام بود.» با سفرهایی که از طریق اپلیکیشن دریافت می‌کند، او روزانه بین دوازده تا پانزده دلار درآمد دارد که معادل حقوق ماهانه شغل قبلی‌اش به عنوان استاد دانشگاه است. شارژ باتری برای او هزینه‌ای ندارد، زیرا برق در کوبا یارانه بالایی دارد. او می‌گوید: «من جزو برنده‌ها هستم.»

### مارتادالا تامایو و مبارزه مسالمت‌آمیز

پس از بیست دقیقه به یک مجتمع آپارتمانی بزرگ می‌رسیم. مارتادالا تامایو در یکی از این بلوک‌ها زندگی می‌کند و تنها پس از چندین بار در زدن، در آپارتمان کوچک خود را باز می‌کند. او عذرخواهی می‌کند و می‌گوید شب گذشته به دلیل قطعی برق نتوانسته است بخوابد. او می‌گوید چون نه پنکه و نه پمپ آب کار می‌کردند، گرما غیرقابل تحمل بوده است.

تامایو که ۴۲ سال دارد، بنیانگذار «کمیته شهروندان برای ادغام قومی» (CIR) است. او توضیح می‌دهد: «ما خواستار یک سیاست ضد نژادپرستی، فمینیستی و مشارکتی هستیم.» از آنجا که این خواسته‌ها باب میل رژیم نیست، او و شوهرش که یک موسیقیدان سیاه‌پوست است، از سال ۲۰۱۸ اجازه خروج از هاوانا را ندارند. «گاهی اوقات ما در حبس خانگی هستیم و یک ماشین از وزارت کشور جلوی در ما پارک می‌کند.» تامایو که در سال ۲۰۲۴ جایزه حقوق بشر آلمان و فرانسه را دریافت کرد، نمونه‌ای از مشکلاتی است که در انقلاب کوبا وجود دارد. این زن خونگرم و پرنرژی از شهر شرقی «اولگین» (Holguín) عملاً به سمت اپوزیسیون سوق داده شد. تامایو می‌گوید: «رژیم قادر به باز کردن فضای سیاسی نیست، زیرا پیرمردها می‌ترسند کنترل خود را از دست بدهند.»

او در جوانی در رشته آموزش تحصیل کرد و در اوایل دهه ۲۰۰۰ بیانیه پروژه وارلا (Varela Project)، یک ابتکار مهم از سوی اپوزیسیون را امضا کرد. این پروژه خواستار آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی بود. تامایو در حین نوشیدن اولین فنجان قهوه‌اش می‌گوید: «یکدستی تفکر من را آزار می‌داد؛ من جوان و سرکش بودم.»

او کار خود را به عنوان معلم آغاز کرد، اما پس از به دنیا آوردن پسرش، دیگر به او اجازه ندادند به مدرسه‌اش بازگردد. او ممنوع‌الکار شد زیرا تفکراتش با ایده‌های انقلاب همخوانی نداشت و به سمت او از پنجره خانه‌اش سنگ پرتاب کردند. «برخی از همسایگان از من حمایت کردند، اما بقیه می‌ترسیدند به من نزدیک شوند.» او سپس به پرورش خوک روی آورد و قهوه می‌فروخت.

سپس تامایو شروع به برگزاری حلقه‌های گفتگوی کوچک در خانه کرد. موضوع این گفتگوها وضعیت زنان و سیاه‌پوستان کوبایی و همچنین امکان برگزاری انتخابات بود. تامایو شناخته‌تر شد و به کارگاه‌های سازمان‌های لیبرال-محافظه‌کار در پرو و اسپانیا دعوت شد. در نهایت او به عنوان مهمان موسسه ملی دموکراتیک (NDI)، سازمانی که بودجه آن توسط دولت آمریکا تأمین می‌شود، به ایالات متحده سفر کرد. این کار باعث شد او هدف حملات قرار گیرد، زیرا دولت کوبا از چنین تماس‌هایی استفاده می‌کند تا مخالفان را به عنوان مزدوران آمریکا معرفی کند. به تامایو لقب «کرم» (Wurm) دادند و به او توصیه کردند که به تبعید برود. اما او نپذیرفت.

آپارتمان او اکنون همزمان دفتر فعالیت‌ها و استودیوی رقص است. او مقالاتی برای کتاب‌ها می‌نویسد، پادکست ضبط می‌کند و به همراه همسرش رویدادهای فرهنگی برای کودکان در حاشیه هاوانا برگزار می‌کند. آن‌ها در آنجا کتاب‌های کودکان مانند «شازده کوچولو» را توزیع

می‌کنند. تامایو می‌گوید: «ما کارهای پایه‌ای انجام می‌دهیم. این دولت بالاخره باید درهای خود را به روی شهروندانش باز کند.» او می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم ترامپ بیاید. ما خواهان یک تغییر مسالمت‌آمیز هستیم.»

## تظاهرات اول ماه مه در مالکون

تظاهرکنندگان خسته‌ای که صبح روز بعد حوالی ساعت ۷ از ساحل «مالکون» (Malecón) در هاوانا بازمی‌گردند نیز مخالف ترامپ هستند. اول ماه مه روز کارگر است و دولت کوبا فراخوانی برای تجمع در مقابل سفارت آمریکا داده است. برنامه از ساعت ۵ صبح شروع شد و بسیاری دیگر توان ادامه نداشتند و به سمت اتوبوس‌هایی رفتند که آن‌ها را از حومه شهر به اینجا آورده بودند.

اما در مالکون هنوز ده‌ها هزار نفر حضور دارند: گروه‌های کارگری دولتی، سربازان، تیم‌های ورزشی، گروه‌های موسیقی و تیپ‌های همبستگی از سراسر جهان. دو مرد تابلوهایی با تصویر تفنگ کلاشنیکف در دست دارند و روی پلاکاردها نوشته شده است: «میهن دفاع خواهد شد!» حتی اگر برخی به دلیل فشارهای اجتماعی در اینجا حضور داشته باشند، این موضوع برای همه صدق نمی‌کند. کاملاً مشخص است که بخش قابل توجهی از کوبایی‌ها با وجود بحران‌ها همچنان پشت انقلاب ایستاده‌اند.

دو زن خوش‌برخورد که در وزارت ورزش کار می‌کنند، می‌گویند: «هیچ‌کس در اینجا مجبور نشده است، اینها همه پروپاگاندا است.» مانند بسیاری دیگر در اینجا، آن‌ها لباس‌هایی به رنگ‌های آبی، سفید و قرمز، یعنی رنگ‌های ملی کوبا بر تن دارند. آن‌ها تأکید می‌کنند: «ما می‌خواهیم نشان دهیم که از کشورمان حمایت می‌کنیم. کوبایی‌ها صلح‌طلب و مستقل هستند.» وقتی در مورد بحران فعلی از آن‌ها سؤال می‌شود، اعتراف می‌کنند که همه‌چیز کامل نیست، اما می‌افزایند: «اما اگر ترامپ بیاید، ما مقاومت خواهیم کرد.»

منتشر شده در سایت فدائی

-----

<https://fedayi.org>  
[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)